**قد نزّلنا فی کتابی الاقدس**

یا اهل المجالس في البلدان أن اختاروا لغة من اللغات لیتکلّم بها من علی الارض و کذلک من الخطوط إنّ الله یبیّن لکم ما ینفعکم و یغنیکم عن دونکم إنّه لهو العلیم الخبیر.

 این امر مبرم از جبروت قدم برای اهل عالم عموما و اهل مجالس خصوصا نازل شده چه که اجرای اوامر و احکام و حدودات منزله در کتاب به رجال بیوت عدلیه الهیه تفویض شده و این حکم سبب اعظم است از برای اتحاد و علّت کبری است از برای مخالطه و وداد من فی البلاد. ملاحظه میشود اکثری از امم از تشتت لغاة اهل عالم از مخالطه و معاشرت و کسب معارف و حکمت یکد یگر محروم اند لذا محض فضل و جود کل مأمور شده اند به اینکه لغتی از لغات را اختیار نمایند چه جدید اختراع کنند و چه از لغات موجوده ارض و کل بان متکلم شوند در این صورت جمیع ارض مدینه واحده ملاحظه میشود زیرا که کل از لسان یکد یگر مطلع میشوند و مقصود یکد یگر را ادراک مینمایند اینست سبب ارتقاء عالم و ارتفاع آن و اگر نفسی از وطن خود هجرت نماید و به هر یک از مدن وارد شود مثل آن است که در محل خود وارد شده تمسّکوا به یا أهل المجالس و المدن اگر نفسی فی الجمله تفکّر کند ادراک مینماید که آنچه از سماء مشیت الهیه نازل شده محض فضل بوده و خیر آن بکل راجع است ولکن بعضی از عباد از ثدی غفلت و جهل میآشامند بشأنی که آنچه خیر است و رجحان آن عقلا و نقلا ظاهر و مشهود است از آن تجاوز مینمائید و به مزخرفات نفوس غافله از حکمت الهیه که سبب و علّت ترقی عالم و ارتفاع اهل آن است چشم پوشیده و میپوشند الا انَّهُم فی خُسرانٍ مُبینٍ هر طائفه بلسان خود تکلّم مینماید مثل ترک به ترکی و اهل ایران به پارسی و عرب به عربی و اهل اروپا به السنۀ مختلفه خود و این السن مختلفه ما بین احزاب متداول است و مخصوص است به طوایف مذکوره و یک لسان دیگر امر شده که اهل عالم عموما به آن تکلم نمایند تا کل از لسان یکد یگرمطلع شوند و مراد خود را بیابند اوست باب محبت و وداد و الفت و اتحاد و اوست ترجمان اعظم و مفتاح کنز قدم چه مقدار از نفوس مشاهده شده که تمام اوقات را در تعلیم السن مختلفه صرف نموده بسیار حیف است که انسان عمری را که از اعز اشیاء عالم است صرف اینگونه امور نماید و مقصود شان از این زحمات آنکه لسان مختلفه را بد انند تا مقصود طوایف و ما عندهم را ادراک نماید حال اگر بآنچه امر شده عامل شوند کل را کفایت مینماید و از این زحمات لا تحصی فارغ میشوند و آنچه لدی العرش محبوب آن است که جمیع بلغت عربی تکلم نمایند چه که ابسط از کل لغات است اگر کسی ببسط و وسعت این لغت فصحی مطلع شود البته آنرا اختیار نماید لسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این ظهور به لسان عربی و فارسی هر دو تکلم نموده و لکن بسط عربی را نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات از نسبت باومحدود بوده و خواهد بود و این مقام افضل است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموم خلق به آن تکلّم کنند هذا ما حکم به الله و هذا ما ینفع به الناس لو هم یعرفون وهم چنین سوای خطوط مخصوصه طوایف مختلفه یک خط اختیار نمایند و خلق عموما به تحریر آن مشغول شوند تا جمیع خطوط خط واحد و جمیع السن لسان واحد مشاهده شود و این دو سبب اتحاد قلوب و نفوس اهل عالم گردد یعلمکن ما هو خیر لکم تمسّکوا به إنّه لهو الواعظ الناصح المبیّن المدبّر المشفق العلیم الحکیم و بالآخرة جمیع لسان و خطوط بواحد منتهی گردد و قطعات مختلفه ارض یک قطعه مشاهده شود "لَا تَرَی فِیْهَا عِوَجًا وَ لَا أَمْتًا".